

قطبها

مدیریت حکیمانه از میکنوس تا ۸۸۸

توطئه اروپا در میکنوس

پس از کشتاری که در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ (۲۶ شهریور ۱۳۷۱) در قهوه خانه میکنوس برلین رخ داد، و در آن، تعدادی از رهبران حزب منحلہ دمکرات کردستان ایران، به گلوله بسته شدند، دولت آلمان به تحریک امریکا و بر اساس شهادت «ابوالحسن بنی صدر» در یک دادگاه ساختگی، مسئولان رده اول نظام اسلامی را متهم به صدور فرمان کشتار میکنوس کرد و سفیر خودش را از ایران فراخواند. به دنبال این ماجرا دولت‌های اروپایی هم در اقدامی عجولانه سفرای خود را از ایران فراخواندند تا به خیال خودشان ایران را در یک بحران سیاسی قرار دهند؛ البته این کار به خودی خود ضربه سیاسی محکمی به یک کشور وارد می‌کرد اما ایران با کشورهای دیگر یک فرق اساسی داشت...

***تدبیر حکیمانه:** در شرایطی که بعضی از خواص دچار ترس و نگرانی از آینده کشور شده و به فکر خواهش و التماس از کشورهای اروپایی بودند، رهبر ماطی واکنشی مقتدرانه، خروج سفرای کشورهای اروپایی را بسیار کم اهمیت خواند و این بحران را فرصتی برای شناخت دولت‌های مستقل و به اصطلاح بزرگ عالم، در دنیا دانست.

رهبر انقلاب در اون برهه حساس، به جای شاخ و شانه کشیدن برای دولت آلمان که به ظاهر در صف دشمنی با ایران قرار گرفته بود، چشم‌ها را متوجه عروسک گردان صحنه، یعنی دولت امریکا کرد و برای تنبیه دولت آلمان با اقتدار گفت: «چون در این قضیه، آلمان این گونه رفتار کرده است و سفر رفتند، اگر سفرای دیگر می‌خواهند بیایند، بیایند؛ ولی سفیر آلمان، باید بعدا بیاید. حق ندارد با آن‌ها برگردد» و اتفاقا همین هم شد. دولت‌های اروپایی به بهانه تغییر دولت ایران در سال ۷۶ یکی پس از دیگری سفیران خود را به تهران بازگرداندند و سفیر دولت آلمان آخرین فردی بود که بعد از ریزنی‌های فراوان به ایران بازگشت. بدین ترتیب جای بحرانی که قرار بود در روابط دیپلماتیک ایران بوجود بیاید، جایگاه اقتدار ایران ارتقا یافت و این کار هم جز با هدایت آن یک نفر به انجام نمی‌رسید.

***علامدار بصیر:** یک روزی یکی از دولت‌های اروپائی نسبت به جمهوری اسلامی اظهار علاقه و ارتباط و این‌ها می‌کرد؛ همان دولت سر قضیه‌ی قهوه‌خانه‌ی میکنوس دادگاه تشکیل داد، مسئولین درجه‌ی یک کشور را در آن دادگاه متهم کرد! دولت‌های اروپائی با آن‌ها همدست شدند، همه‌شان سفرای خود را از تهران فراخوانی کردند؛ این‌ها که یادمان نرفته، خواستند سیلی بزنند، البته سیلی سخت‌تری خوردند. بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶/۵/۱۳۹۰

قطره‌ها

جریان قائم مقام مخلوع

تخریب جایگاه ولایت فقیه) روز ۲۳ آبان سال ۷۶ چند ماه بعد از انتخاب سید محمد خاتمی، آیت‌الله منتظری که سابقه خون به جگر کردن امام خمینی (ره) را هم در کارنامه داشت، رهبر معظم انقلاب را به دخالت در انتخاب کابینه سید محمد خاتمی و عدم صلاحیت علمی و اخلاقی متهم کرد. بعد از انتشار این حرف‌ها، مردم در سراسر کشور، از اقشار مذهبی، کسبه، دانشجوی، بازاری و خلاصه همه ملت، راهپیمایی عظیمی کردند. بازار تهران هم تعطیل شد و جمعیت عظیمی از مردم در مسجد امام خمینی (ره) به نشانه حمایت از آیت‌الله خامنه‌ای و برائت از حرف‌های آیت‌الله منتظری اجتماع کردند. حتی آیت‌الله منتظری گفته بود من پیغام دادم که من اگر جای شما (سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت) بودم می‌رفتم پیش رهبر و می‌گفتم: شما مقامت محفوظ، احترامت محفوظ، ولی ۲۲ میلیون مردم به من رأی دادند، به من هم که رأی دادند این ۲۲ میلیون، همه می‌دانستند که رهبر کشور به کسی دیگر نظر دارد. دفترشان و خودشان همه، شخص دیگری را تأیید می‌کردند، ۲۲ میلیون آمدند به ایشان رأی دادند، معنایش این است که ما آن تشکیلات را قبول نداریم. رأی این ۲۲ میلیون معنایش این است که ما آن را که شما می‌گویید قبول نداریم.

***تدبیر حکیمانه:** رهبر انقلاب درست در زمانی که مرکز سیبل تهمت‌ها و دروغ‌های عالمی ساده لوح و مغرض! شد، نه مثل خیلی از ما شروع به دفاع از خودش کرد، نه ژست مظلومانه گرفت، نه حتی بیانیه شدیدالحنی صادر کرد. رهبری حرف از دو تا چهارتای دشمن روی نقشه ایران زد. آقا، چشمایی که حتی از فرط غیرت و خشم، مثل دریای خون شده بودند را هم باز کرد و گهت امروز دشمن حرفش را از زبان برخی افراد موجه و حتی معمم می‌زند؛ آی مردم مواظب باشید؛ مواظب باشید که گول ظاهر آدم‌ها را نخورید. اون روز به قلب مردم کوچه و بازار، نوری تابید که هم غیرت دینی‌شان را تقویت کرد هم بینش دشمن‌شناسی‌شان را. کلاً رهبر ما خوب بلد است چطور در مواقع حساس، تهدید را تبدیل به فرصت کند و درک سیاسی مردم رو چند پله‌ای بالا ببرد.

***علمدار بصیر:** ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه می‌کنیم و خیال می‌کنیم که دشمن ما این‌ها هستند! این‌ها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان می‌کند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمی‌دهد. دشمن سعی می‌کند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر می‌کند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است! . بیانات در دیدار جمعی از بسیج ۵/۹/۱۳۷۶

قتل‌های زنجیره‌ای

اواخر آبان سال ۷۷ بود که طی بیانیه‌ای، برخی از چهره سیاسی و ادبی، به عنوان افراد معاند و ضدانقلاب معرفی و تهدید به قتل شدند. طولی نکشید که یکشنبه یکم آذر، داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران به همراه همسر خود، در خانه و با ضربات متعدد چاقو به طرز فجیعی به قتل رسید؛ سرنوشتی که برای محمد مختاری و محمد جعفرپوینده، از اعضای شورای کانون نویسندگان، هم تکرار شد. وزارت اطلاعات، در اقدامی شجاعانه، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد برخی افراد خودسر در این وزارتخانه دست به این قتل‌ها زده‌اند. ناگهان موجی از شایعه و ناامنی کشور را فراگرفت.

❖ تدبیر حکیمانه: تعادل! وقتی تعادل از یک در بیرون برود، از در دیگر یا افراط میاید یا تفریط. در زمستان سال ۷۷، خودسری عده‌ای در وزارت اطلاعات باعث شد نظام در شرایط بدی قرار بگیرد. در اوضاعی که مصرع دوم ضرب‌المثل «هرچه بگنجد نمکش می‌زند»، ترانه محبوب برخی خواص شاه‌سلطان‌حسینی شده بود و خبری از پدیده‌ای به نام شجاعت نبود، رهبر ما در خطبه‌های نماز جمعه در مورد این قتل‌ها صحبت کرد و پرده از سناریوی مخوف دشمن برداشت و با سوا کردن حساب پرسنل مؤمن وزارت اطلاعات از عده‌ای خودسر، فرصت طلبانی را که فکر کردند دیگر نظام شیر بی پال و کویالی شده، اندکی نصیحت کرد و آگاهی ملت را به رخ کشاند. با اینکه کشور در لبه یک پرتگاه بی‌انتها قرار داشت، با هدایت یک بلد راه، به سلامت از آن گذر کرد.

❖ علمدار بصیر: این قتل‌هایی که اتفاق افتاد، حوادثی بسیار بد، زشت، نفرت‌آور و حقیقتاً در خور محکوم کردن بود. کسانی که این‌ها را محکوم کردند، بجا محکوم کردند. این‌ها علاوه بر این‌که قتل بود، جنایت بود؛ با روش‌های بد و غیرقانونی بود. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۷/۱۰/۱۸

مطبوعات زنجیره‌ای

کیوسک روزنامه فروشی‌ها، شده بود میدان جنگ! اول هر صبح تیتراهایی روی آن دیده می‌شد که برق از سه فاز آدم می‌پراند. اصلاً انگار این "مطبوعات زنجیره‌ای" در قلب کاخ سفید به چاپ می‌رسیدند. "مطبوعات زنجیره‌ای" اصطلاحی بود که به برخی از روزنامه‌ها در سال‌های دولت اصلاحات اطلاق می‌شد. این تعبیر از آن زمان باب شد که وزارت مثلاً ارشاد(۱) با اتخاذ سیاست آزادی مطلق، به حمایت از روزنامه‌های مختلف پرداخت. بدین ترتیب، با تعطیلی قانونی روزنامه‌های هم فکر و هم خط با وزارت ارشاد، در فاصله زمانی کوتاهی، همان کادر با همان سیاست، فقط با تغییر نام روزنامه، مجوز انتشار می‌گرفتند و به نوعی، به قانون دهان کجی می‌کردند.

❖ **تدبیر حکیمانه:** از آنجا که دست خطی و ناظر با هم در یک کاسه بود، ماجرا بیشتر از دردناک بودن، خنده دار شده بود؛ "خود گوپی و خود خندی". دیگر صبر هم حدی داشت، آن‌ها هر چه می‌خواستند می‌نوشتند و به هر که دوست داشتند تهمت و افترا می‌بستند و از همه مهم‌تر دین را به سخره گرفته بودند. سرانجام حوزه علمیه با تاسی از فرمایشات رهبری، در ۱۴ بهمن ۷۹ از سیاست‌های حاکم بر وزرات ارشاد اعلام براءت نمود و در مسجد اعظم قم خواستار عزل وزیر ارشاد و تغییر سیاست‌های فرهنگی کشور شد. این تحصن که با حمایت مراجع و اساتید حوزه همراه بود، در نهایت پس از سه روز با پیام مقام معظم رهبری و تأیید ایشان پایان یافت. سرانجام پس از ۴۰ روز کشمکش‌های بسیار، سید محمد خاتمی، استعفای عطا، الله مهاجرانی را که هشت ماه قبل تسلیمش شده بود پذیرفت و غائله پایان یافت.

❖ **علم‌دار بصیر:** امروز مطبوعاتی پیدا می‌شوند که همه هم‌تشان، تشویش افکار عمومی و ایجاد اختلاف و بدبینی در مردم و خوانندگانشان نسبت نظام است! ده عنوان، پانزده عنوان روزنامه، گویا از یک مرکز هدایت می‌شوند؛ با تیتراهایی شبیه به هم در قضایای مختلف. قضایای کوچک را بزرگ می‌کنند و تیتراهایی می‌زنند که هرکس این تیتراها را می‌بیند، خیال می‌کند که همه چیز در کشور از دست رفته است! این‌ها امید را در جوانان می‌میرانند؛ روح اعتماد به مسؤولان را در آحاد مردم کشور تضعیف می‌کنند و نهادهای اصلی کشور را مورد اهانت و توهین قرار می‌دهند! بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ

تهران ۱/۳/۱۳۷۹

بحران هسته‌ای

انرژی هسته‌ای، یکی از مهم‌ترین مسائل نظام اسلامی پس از انقلاب بوده و هنوز هم هست. در اواخر دهه هفتاد شمسی، بر اثر عملکرد محتاطانه دیپلماسی هسته‌ای دولت اصلاحات و ترس بسیاری از نمایندگان مجلس از ادامه شرایط تحریم، ایران به ناچار تعلیق فعالیت‌های نوپای هسته‌ای خود را پذیرفت. این اعتمادسازی یک‌طرفه در حالی بود که نه تنها چیزی نصیب ایران نشد بلکه روز به روز بر اتهامات و فشار بر آن نیز افزوده می‌شد و عملاً شخصیت نظام اسلامی زیر سؤال رفت.

***تدبیر حکیمانه:** از همان ابتدا رهبر ما، دولت وقت را به ایستادگی و زیر بار زور نرفتن توصیه می‌کرد، اما گویا گوش ناشنوایی در کار بود. با ادامه فشارها و دادن امتیازهای فراوان، بوی بیراهه در مسیر حرکت نظام پیچید و رهبر شجاع ما مستقیماً وارد جریانات هسته‌ای شد و با مشخص کردن سیاست‌های نظام، دستور به شکست تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای داد. ایشان عمداً دستور داد که رفع تعلیق در همان دولت اصلاحات که تعلیق در آن انجام شده بود، صورت گیرد. نتیجه ورود رهبری به ماجرای هسته‌ای، خودکفایی ایران در دانش هسته‌ای و قرار گرفتن در موضع قدرت نسبت به غرب بود. این مقاومت رهبری و ملت ایران در روز ۲۰ فروردین ۱۳۸۵ با اعلام دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای با غنای ۳/۵ درصد به بار نشست و ایران جز ۱۰ کشور دارای فناوری سوخت هسته‌ای قرار گرفت.

***اعتمادار بصیر:** در همین قضیه هسته‌ای، آن وقتی که ما با این‌ها همراهی کردیم و عقب‌نشینی کردیم - البته برای ما تجربه‌ای بود، اما این واقعیت است - این‌ها جلو آمدند؛ اینقدر جلو آمدند که من در همین حسینیه گفتیم اگر بنا باشد که این روال از سوی آن‌ها ادامه پیدا کند، من خودم وارد قضیه خواهم شد؛ و وارد قضیه شدم؛ ناچار شدیم؛ این‌ها کار ما نیست. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۳۵/۱۳۹۱

حادثه کوی دانشگاه

انگار واقعاً قرار بود در سال ۱۹۹۹ میلادی اتفاق بزرگی در ایران بیفتد. آرایش هماهنگ تیرهای روزنامه‌های داخلی و رادیوهای خارجی، بی معنی نبود. چندین سال تلاش پنهان و آشکار دشمنان روی پروژه فروپاشی از درون، قرار بود در روز ۱۸ تیر توسط چند تاندانجوی بی‌خبر از همه جا، کلید بخورد و کلید خورد؛ به این شکل که ابتدا دانشجویان به بهانه توقیف روزنامه سلام در شامگاه ۱۷ تیر دست به اعتراض زدند و با برخورد نیروی انتظامی کم‌کم این اعتراض به درگیری کشید. این وسط عوامل فرصت طلب هم که آب را گل آلود دیدند، دانشجویهای بیچاره را طعمه کرده و قلاب رو انداختند تا بلکه ماهی بزرگی به نام "براندازی نظام" بگیرند. با سر دادن شعارهایی بر ضد حاکمان جمهوری اسلامی فضا ملتهب‌تر شد. نیروهای انتظامی و برخی لباس شخصی‌ها هم که می‌خواستند ابروی کج شده را درست کنند با حمله به کوی دانشگاه و ضرب و شتم بی‌قاعده دانشجویان، چشم ماجرا را جوری کور کردند که تا مدت‌ها همه چیز تار و سیاه دیده می‌شد!

*** تدبیر حکیمانه:** نقشه‌ی خوبی بود اما دشمن تو محاسباتش اشتباه کرده و رهبر ما را دست کم گرفته بود. آقا، ابتدا با دانشجویهای آسیب دیده تو حوادث کوی دانشگاه دیدار کرد، حرف‌هاشان را شنید، باهاشون همدردی کرد و حتی تلخی این حادثه در کام رهبری را بیشتر از یک زلزله دانست. تا اینجا خیلی از مثلاً خواص، هم معتقد بودند که "چند تاندانجو اعتراض کردند، برخوردی شد و کلاً از این جور چیزا پیش میاد دیگه!" اما رهبر دانای ما تو سخنان نماز جمعه، حرف از ماجرای به نام "براندازی" زد و خبر از فتنه‌ی عمیق داد. فتنه‌ای که نخ تسبیح حوادث سال ۷۶، ۷۷ و ۷۸ بود. آقا با کنار هم گذاشتن حوادث این سالها و اظهار نظر رئیس سازمان سیای امریکا که گفته بود: «در سال ۱۹۹۹ قرار است در ایران یک حادثه بزرگ اتفاق بیفتد» هوش و حواس ملت رو متوجه حرکت پاورچین پاورچین دشمن کرد. نقش عمارگونه رهبری تو فتنه‌ی سال ۷۸ نقشه‌های کشیده شده‌ی دشمنان را نقش بر آب کرد و مردم هم با یک راهپیمایی استثنایی حمایت خودشان را از رهبرشان نشان دادند.

*** علمدار بصیر:** این حادثه تلخ، قلب مرا جریحه‌دار کرد؛ حادثه غیرقابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. حمله به منزل و مأوا و مسکن جمعی - به خصوص در شب یا در هنگام نماز جماعت - به هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. جوانان این کشور - چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان - فرزندان من هستند و هرگونه چیزی که برای این مجموعه‌ها مایه اضطراب و ناراحتی و اشتباه در فهم باشد، برای من بسیار سخت و سنگین است. هرکسی بوده، فرق نمی‌کند؛ چه در لباس نیروی انتظامی، چه در غیر آن. مسلماً با کسانی که در نظام جمهوری اسلامی تخلف می‌کنند، باید برخورد شود. بیانات در دیدار اقشار مختلف

مردم ۲۱/۴/۱۳۷۸

فتنه انگلیسی امریکایی

پس از برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری، آشوب و اردو کشی خیابانی، شهرهای بزرگ کشور را فرا گرفت. سرباز زنی نامزدهای شکست خورده از قانون و فراخوانی طرفداران برای حضور و راهپیمایی در خیابان‌ها، دقیقاً همان فرصتی بود که دشمنان نظام، مدت‌ها منتظر آن بودند روز ۲۵ خرداد، عده زیادی از معترضان در خیابان آزادی تهران و چند شهر دیگر حاضر شدند و راهپیمایی سکوت برگزار کردند اما در اواخر این راهپیمایی، افرادی سودجو و فرصت طلب، از جو ایجاد شده، سو استفاده کرده و راهپیمایی را به وسیله درگیری با نیروهای انتظامی و حمله به پایگاه بسیج به آشوب کشیدند که موجب کشته و زخمی شدن تعدادی از هم‌وطنانمان شد. پس از این واقعه، موج التهاب و ناامنی کشور و به خصوص تهران را فرا گرفت.

*** تدبیر حکیمانه:** در شرایطی که دود و آتش، آرامش شب‌های کشور را برهم زده بود و جمله پرکاربرده‌ی "یعنی حالا چی میشه؟" خبر از بستری حاصلخیز برای کشت انواع شایعات می‌داد، رهبر ما مثل بسیاری از خواص، نظاره گر ماجرا نماند و به گذر زمان چشم ندوخت. آقا ابتدا با نمایندگان کاندیداها دیدار و آن‌ها را نسبت به خطرات خروج از محدوده قانون آگاه کرد. اقدام بعدی ایشان حضور در نماز جمعه تهران و شستن غبار فتنه از چهره سیاسی کشور بود. دفاع و نقد منصفانه هر چهار نامزد انتخابات، ارائه راهکار برون رفت از وضعیت موجود، لزوم مرزبندی معترضان با دشمنان، اتمام حجت با آشوبگران و در آخر اعلام آمادگی برای جان نثاری در راه انقلاب، کلیدواژه‌های رهبر در این خطابه بود. حضور به موقع آقا در این نماز جمعه باعث شد شک و تردید جای خود را به اعتماد و آگاهی دهد. پس از اتمام حجت رهبر با مردم، سرانی که باز هم به اردو کشی خیابانی ادامه دادند و به مقدسات مردم اهانت کردند، در روز ۹ دی با سیلی ملت ایران تنبیه و از صحنه سیاسی نظام حذف شدند.

*** علمدار بصیر:** انتخابات برای کشور مایه‌ی آبروست، مایه‌ی افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه‌ی بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آنطوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی ۲۴/۷/۱۳۹۱

عاشورای ۸۸

صبح یکشنبه ششم دی ماه ۱۳۸۸ مصادف با عاشورای سال ۱۴۳۱ مردم تهران در حالی که در رئای سید و سالار شهیدان اشک ماتم و عزا می‌ریختند اغتشاشگران و منافقین در حالی که تصاویر دو کاندیدای شکست خورده انتخابات دهم ریاست جمهوری را در دست داشته‌اند، در چند خیابان تهران اقدام به آشوب، اهانت به قرآن و سیدالشهدا و برهم زدن نظم عمومی کرده‌اند. اغتشاشگران در خیابان‌های آزادی، انقلاب، ولیعصراً و کریم خان و همچنین اطراف دانشگاه تهران دست به آشوب زده بودند و با به آتش کشیدن اموال عمومی و مردمی و همچنین هتک حرمت نمادهای حسینی و خیمه‌های حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، نظم عمومی را مختل کرده بودند. در این اغتشاشات ۵ نفر به طرز مشکوکی جان باختند و تعدادی نیز مجروح شدند.

*** تدبیر حکیمانه:** حالا که تقویم سال ۸۸ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم گویی مقام معظم رهبری علم نهان دارد و می‌داند که قرار است چه حوادثی اتفاق بیفتد. ایشان پیش از هر رویدادی نصیحتش را کرده و هشدارش را داده است. در همان خطبه ۲۹ خرداد اگر سران فتنه گوش به نصیحت‌های آقا داده بودند و بستر را برای آشوبگران و فرصت طلبان آماده نمی‌کردند، حوادث تلخی چون شعارهای انحرافی در روز قدس و توهین به عکس امام خمینی (ره) در ماجرای ۱۳ آبان رخ نمی‌داد. پس از این حوادث مقام معظم رهبری همان‌طور که در خطبه مذکور وعده داده بود، صریح‌تر با مردم سخن گفت و عدم اعلام مرزبندی سران فتنه و آشوب‌گران را نشانه صریح انحراف از خط امام دانست. دیگر دست سران فتنه پیش مردم رو گشت. به دنبال هتک حرمت عاشورای حسینی و پخش تصاویر این جنایت در رسانه‌ها، شهرها و روستاهای مختلف کشور یکپارچه چه در دفاع از قهرمان کربلا و محکومیت اقدام شرم آور فتنه‌گران، ایرانیان روز ۹ دی در سراسر کشور در حمایت از امام حسین(ع) و ولایت به خیابان‌ها ریختند. تجدید بیعت ملت با آرمان‌های امام راحل و رهبر فرزانه انقلاب باعث شد تا ریشه فتنه‌ای که ماه‌ها مشکلاتی را در سطح کشور به وجود آورده بود، خشکانده شود. وقتی هم که سران فتنه، با بی توجهی به نصیحت‌های رهبری، در مقابل اهانت به امام حسین(ع) هم سکوت کردند و حتی از توهین کنندگان حمایت کردند، مردم به صحنه آمدند و سیلی محکمی به آن‌ها زدند.

*** علمدار بصیر:** جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهتک بیگانگان از ایمان دینی به گوششان می‌خورد یا با چشمشان می‌بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می‌بینند روز عاشورا چگونه یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک می‌کنند، حرمت امام حسین را هتک می‌کنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک می‌کنند، دل‌هاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان پر می‌شود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی می‌خواهم عرض بکنم جوان‌های عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هر گونه کار بی‌رویه‌ای، کمک به دشمن است. بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی

رد پای گروگ

(ترورهای هسته‌ای) سال ۸۸ هم‌زمان با اوج گرفتن تهدیدهای کشورهای غربی و صهیونیست علیه ایران در موضوع هسته‌ای، مردم ایران شاهد بروز موج جدیدی از ترورهای هسته‌ای بودند. موج جدید عملیات‌های تروریستی علیه دانشمندان هسته‌ای از بیست و دومین روز سال ۸۸ کلید خورد و دکتر مسعود علیمحمدی بر اثر بمب‌گذاری در خودرو به شهادت رسید. در ترورهای بعدی دکتر مجید شهریاری عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، داریوش رضایی‌نژاد دانشجوی کارشناسی ارشد برق و مصطفی احمدی‌روشن دانشمند هسته‌ای به شهادت رسیدند. تروریست‌ها، همچنین دکتر فریدون عباسی دوانی رئیس فعلی سازمان انرژی اتمی ایران، را نیز هدف قرار دادند که خو شبخانه موفق به شهادت ایشان نشدند.

*** تدبیر حکیمانه:** با ترور شهید علیمحمدی، استاد فیزیک دانشگاه تهران، تیم ویژه‌ای به دستور وزیر اطلاعات تشکیل و به سرعت رد پای عوامل موساد در صحنه را کشف شد. با وجود محافظت شدید از دانشمندان هسته‌ای، ترورهای بعدی یکی پس از دیگری به وقوع پیوست و موجی از نگرانی را در دل خانواده دانشمندان کشور ایجاد کرد. در این شرایط حساس، دیدار و ابراز محبت ویژه رهبر معظم انقلاب به خانواده شهدای هسته‌ای همچون آب بر آتش بود. تأکیدات پیاپی و پیگیری ایشان بر این موضوع، انگیزه سربازان گمنام امام زمان را صدچندان کرد تا اینکه در بهار سال ۹۱ کلیه اعضای تیم ترور دانشمندان هسته‌ای، وابسته به رژیم اشغالگر قدس، توسط وزارت اطلاعات ایران دستگیر شدند و ضربه سنگینی بر پیکره موساد وارد آمد.

*** علمدار بصیر:** شهادت این دانشمندان برجسته در راه آرمان‌های بلند و الهی، به کشور، انقلاب اسلامی، ملت ایران و محیط علمی آبرو بخشید و آنان با این شهادت، به بالاترین رتبه از ارزش‌های معنوی دست یافتند. بیانات در منزل شهیدان دکتر شهریاری و دکتر علی محمدی؛ ۴/۱۱/۱۳۸۹

تحریم برای ما جدید نیست

تحریم‌ها) تحت فشار قرار دادن ایران با ابزار تحریم، یکی از سلاح‌های پرطرفدار غرب برای مقابله با ایران در طول این سی و چهار سال پس از انقلاب است. هم‌زمان با پیچیده‌تر شدن پرونده هسته‌ای ایران در اوایل سال ۲۰۰۵، شیب تحریم علیه ایران هم تندتر شد. تحریم بانک‌های دولتی ایران و مقامات بلند پایه نظام از یک سو و قرار گرفتن نام شرکت‌هایی که با ایران مبادلات تجاری داشته باشند در لیست سیاه آمریکا از سوی دیگر، شرایط را برای مردم ایران سخت و سخت‌تر می‌کرد. در ادامه برای تنگ‌تر شدن محاصره اقتصادی ایران، مبادله با بانک مرکزی ایران و نیز خرید و فروش نفت ایران ممنوع اعلام شد و عملاً تمام راه‌ها بر ایران بسته شد.

***تدبیر حکیمانه:** بزرگترین، دردناکترین و فاجعه‌آمیزترین خصومت دشمنان ما به راه انداختن جنگ تحمیلی بود. تحریک حس جاه‌طلبی یک همسایه، تشویق او به حمله و دلگرم کردن او به پشتیبانی و کمک. امروز دیگر پس از گذشت هفت سال همه به روشنی می‌توانند یقین کنند که حمله‌ی ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۵۹ - یعنی ۱۹ ماه پس از تشکیل جمهوری اسلامی - که با ده لشکر و صدها فروند جنگنده از زمین و هوا و دریا انجام شد، بجز توسعه‌طلبی و انضمام بخشی از ایران به عراق چیزی که بارها در کتب و مطبوعات عراقی یا غیر عراقی جیره‌خوار به آن تصریح شده، شکست انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را هم هدف گرفته بوده است. بزرگترین، دردناکترین و فاجعه‌آمیزترین خصومت دشمنان ما به راه انداختن جنگ تحمیلی بود. تحریک حس جاه‌طلبی یک همسایه، تشویق او به حمله و دلگرم کردن او به پشتیبانی و کمک. امروز دیگر پس از گذشت هفت سال همه به روشنی می‌توانند یقین کنند که حمله‌ی ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۵۹ - یعنی ۱۹ ماه پس از تشکیل جمهوری اسلامی - که با ده لشکر و صدها فروند جنگنده از زمین و هوا و دریا انجام شد، بجز توسعه‌طلبی و انضمام بخشی از ایران به عراق چیزی که بارها در کتب و مطبوعات عراقی یا غیر عراقی جیره‌خوار به آن تصریح شده، شکست انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را هم هدف گرفته بوده است.

***علمدار بصیر:** تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه‌ی این کارهایی که شده است، همه‌ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌تواند بکنند. بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان

سراسر کشور ۱۶/۶/۱۳۸۹

ایران که کوفه نیست



beyaat.ir

ستاد مردمی بزرگداشت
حماسه مردمی نه دی

